

# بررسی رابطه حکمت و تزکیه نفس

## در حکمت متعالیه

منیره سیدمظهری\*

استادیار دانشگاه آزاد اسلامی، واحد کرج

### چکیده

حکمت بر اساس تقسیم آن بر پایه قوای نفس، دو شاخه نظری و عملی را شامل میشود. حکما از دیرباز، بر همراه بودن تحصیل و تکمیل این دو شاخه برای تحقق تعریف و معنای «حکمت» تأکید داشته‌اند. ملاصدرا نیز همچون سایر حکما، به این همگامی تصریح و بر آن تأکید کرده است. اما حکمت عملی بلحاظ داشتن مایه‌های کاربردی و عملی برای تکمیل و تعالی نفس، با تزکیه نفس ملازم است و چون غایت حکمت، تکمیل نفوس است، بنابراین، تزکیه نفس با حکمت، تعریف آن و غایت آن ارتباط تنگاتنگی دارد.

این نوشتار به بررسی این ارتباط از نظر ملاصدرا پرداخته و سعی کرده است تا با توجه به مبانی حکمت متعالیه، حقیقت حکمت و ارتباط آن با ایمان و تزکیه نفس را تشریح و تصویر کند. بدین منظور نخست غایت حکمت ذکر شده و سپس رابطه دوسویه غایات حکمت و تزکیه نفس بتفصیل مورد بررسی قرار گرفته و از این طریق اثبات شده است که:

۱. دغدغه اصلی ملاصدرا در تعریف و آرایه حکمت

متعالیه، کمال نفس و تزکیه آن بوده است.

۲. غایات حکمت که ملاصدرا و دیگران از آنها به

«غایت» تعبیر نموده‌اند، در حقیقت، غایات و نتایج

عملی و هستی‌شناختی هستند، نه غایات علم‌شناختی و روش‌شناختی.

۳. حکمت، عامل اصلی تزکیه صحیح نفس و تزکیه

نفس نیز عامل اصلی فهم صحیح مسائل فلسفی است.

۴. تزکیه نفس در شکلگیری مفهوم، تعریف، مصداق و

غایات این جهانی حکمت، نقش بسیار اساسی دارد.

### کلید واژگان

حکمت

تزکیه نفس

غایت

ملاصدرا

معرفة النفس

استکمال نفس

### مقدمه

برای فهم و تصور درست رابطه حکمت و تزکیه نفس، توجه به دو نکته، به عنوان مبانی و اصول بحث، ضروری است:

الف) تعریف حکمت: ملاصدرا در آثار حکمی

خود بمناسبت‌های مختلف برای «حکمت و فلسفه»

تعاریفی ذکر کرده است: معرفة حقایق الاشياء، معرفة

\*. Email: msayyidmazhari@yahoo.com

۱. ملاصدرا، الاسفار الاربعة، باشراف آیت‌الله سید محمد

خامنه‌ای، بتصحیح مقصود محمدی، تهران: بنیاد حکمت

اسلامی صدرا، ۱۳۸۰، ج ۷، ص ۱۹۶.

است، بنابراین بررسی رابطه حکمت و تزکیه نفس و یافتن جایگاه این ارتباط در حکمت متعالیه امری ضروری است. در این نوشتار، به نقد و بررسی این دو مسئله مهم میپردازیم.

### حقیقت حکمت

همه تعاریف «حکمت» به تعریف نخست، یعنی «شناخت حقایق اشیا» بر میگردند. با دقت در این تعریف و تحلیل آن، به بحث درباره «حقیقت اشیا» رهنمون میشویم. اما با صرف نظر از اینکه امکان و عدم امکان شناخت حقایق، جنجال دیرینی در میان حکما بوده و ملاصدرا بدان پاسخ مثبت دارد<sup>۳</sup>، سؤال اساسی اینست که مصداق این تعبیر (حقیقت اشیا) در جهان عینی، بواقع چیست؟ ملاصدرا فقط یک پاسخ به این پرسش دارد. او مصداق عینی حکمت را در «ایمان» یافته است و میگوید: حقیقت ایمان، آن چیزی است که انسان بوسیله آن از مرتبه حیوانیت به

۲. همو، المظاهر الالهية، بتصحيح ومقدمه آیت الله سید محمد خامنه‌ای، تهران: بنیاد حکمت اسلامی صدرا، ۱۳۷۸، ص ۷.

۳. همو، الاسفار الاربعة، ج ۷، ص ۳۰۵.

۴. همان، ج ۶، ص ۳۷۴.

۵. همو، شرح الاصول الکافی، باشراف آیت الله سید محمد خامنه‌ای، بتصحيح رضا استادی، تهران: بنیاد حکمت اسلامی صدرا، ۱۳۸۴، ج ۱، ص ۲۶۶.

۶. همو، الاسفار الاربعة، ج ۳، ص ۳۶۶.

۷. همان، ج ۴، ص ۲۰۵.

۸. همو، الحاشية على الالهيات، قم: بیدار، بی تا، ص ۱۶.

۹. همان، ص ۲۶۴.

۱۰. همو، الاسفار الاربعة، ج ۹، ص ۳۹۵.

۱۱. همان، ج ۱، ص ۲۳.

۱۲. همو، المبداء والمعاد، باشراف آیت الله سید محمد خامنه‌ای، بتصحيح محمد ذبیحی و جعفر شاه نظری، تهران: بنیاد حکمت اسلامی صدرا، ۱۳۸۱، ج ۲، ص ۴۴۰.

۱۳. همو، الاسفار الاربعة، ج ۲، ص ۳۸۲ و ۳۸۱.

الله<sup>۲</sup>، معرفة النفس<sup>۳</sup>، افضل علم بأفضل معلوم<sup>۴</sup>، استكمال النفس الانسانية<sup>۵</sup>، دگرگونی نفس به جهانی عقلی<sup>۶</sup>، ادراک کلیات<sup>۷</sup>، تمییز حق از باطل<sup>۸</sup>، علم به غایات اشیا<sup>۹</sup>.

مهمترین تعریفی که ملاصدرا از میان این تعاریف بر آن تأکید دارد، معرفة حقایق الاشياء، معرفة الله، معرفة النفس و استكمال نفس انسانی است. این چهار تعریف از لحاظ روش شناختی، در بحث «رئوس ثمانیه» و علم شناسی، مبنا و محور ترسیم و تشکیل پارادایم «حکمت متعالیه» هستند. در واقع، وی با شرح و تبیین این چهار تعریف، بطور مفصل و تأکیدی، چارچوب حکمت متعالیه را پیریزی کرده است.

آنچه در این چهار تعریف از اهمیت ویژه‌ی برخوردار است، دغدغه اصلی ملاصدرا نسبت به نفس شناسی است. در واقع، رکن اصلی همه این تعاریف، نفس است و از همینرو، مسائل مربوط به نفس، جایگاه ویژه‌ی در حکمت متعالیه دارند، بگونه‌ی که ملاصدرا در پیکربندی ساختار فلسفه‌اش، نفس را محور و ستون اصلی قرار داده، حکمت را بر پایه قوای نفس تقسیم کرده<sup>۱۰</sup> و غایت حکمت را نیز بر اساس کمال نفس ترسیم نموده است.<sup>۱۱</sup> بنابراین نیل به کمال نفس و تحصیل حکمت، رابطه تنگاتنگی دارند که از لحاظ نظری و عملی قابل بررسی هستند.

ب) تزکیه نفس: بدلیل آنکه دغدغه اصلی ملاصدرا در تعریف «حکمت»، معرفت نفس و استكمال آن است و معرفت نیز همراه باعمل بمقتضای آن مطرح است نه بتنهایی<sup>۱۲</sup> و یکی از مهمترین مقتضاهای معرفت نفس، که عمل به آن ضروری و اجتناب ناپذیر است، تزکیه و تهذیب نفس

مرتبه عقلانیت ارتقاء یافته و به وجود بقایای اخروی نائل می‌آید.<sup>۱۴</sup> از این حقیقت ایمان با عبارات گوناگون تعبیر شده است. گاهی از آن به «نور» و گاهی به «حکمت» نام برده‌اند. از اینرو هر انسان حکیمی، مؤمن و هر مؤمن حقیقی، حکیم است. پس حکمت در حقیقت معرفت اشیا موجود بقدر طاقت بشری است.

وی در اسرارآیات در شرح این تعبیر، علم به خداوند و صفات و افعال او، علم به حقایق معاد، علم به جهان مادی و غیر مادی و علم به نفس و زوایای آن را مصداق عینی حکمت دانسته و آن را خیر کثیر و فضل عظیمی میداند که در قول حق تعالی: «و من یوت الحکمه فقد اوتی خیرا کثیرا» (بقره/۲۶۹) بدان اشاره شده است.<sup>۱۵</sup>

البته مراد از «علم» در اینجا، صرفاً دانستن اجمالی و عامیانه یا تقلیدی نیست، بلکه یقین برهانی و شهودی است. ملاصدرا این نکته را با این تعبیر یادآوری کرده است:

اینها الاخوان السالکون الی الله بنور العرفان!  
استمعوا باستماع قلوبکم مقاتلتی لینفذ فی  
بواطنکم نور حکمتی و اطیعوا کلمتی و خذوا  
عنی مناسک طریقتی من الایمان بالله و الیوم  
الآخر ایمانا حقیقیا حاصللا للانفس العلامه  
بالبراهین الیقینیه والایات الالهیه...<sup>۱۶</sup>

در واقع، او یقین برهانی به خداوند و قیامت و احوال آن و مسائل مربوط به آن دورا ایمان حقیقی و حکمت راستین دانسته و از سوی دیگر ایمان به امور مزبور و علم به آنها و همچنین عمل بمقتضای آن علم و ایمان را حکمت میداند.<sup>۱۷</sup>

این نوع «اینهمانی» میان حکمت و ایمان بدین دلیل است که در حقیقت، مسائل حکمت اثبات

## ■ بدلیل آنکه

### دغدغه اصلی ملاصدرا

در تعریف «حکمت»، معرفت نفس

و استکمال آن است و معرفت نیز همراه

باعمل بمقتضای آن مطرح است بنابراین

بررسی رابطه حکمت و تزکیه نفس

ضروری است.

.....  
جميع حقایق وجودی بوده و با شناخت وجود باری و صفات و افعال او همسان است.<sup>۱۸</sup> بنابراین، مصداق عینی حکمت همان ایمان است و ایمان نیز جز از طریق علم یقینی و برهانی حاصل نمیشود.

با این رویکرد، حکمت و ایمان با وجود اختلاف و تباین مفهومی، اتحاد و هم سیاقی در مصداق دارند و ملاصدرا با تبیینی که از این مسئله ارائه کرده است، اختلافی میان آن دو نمی‌بیند.

نکته حائز اهمیت که ملاصدرا آن را مطرح میکند، معرفت نفس و ارتباط آن با حقیقت حکمت است. او بخاطر دغدغه اصلی خود در باب حقیقتیابی درباره

۱۴. همو، تفسیر القرآن الکریم، باشراف آیت‌الله سید محمد خامنه‌ای، بتصحیح و مقدمه استاد محسن بیدارفر، تهران: بنیاد حکمت اسلامی صدرا، بخش اول از ج ۲، ص ۹۶.

۱۵. همو، اسرار الایات و انوار الیقینات، بتصحیح حجة الاسلام والمسلمین محمدعلی جاودان، بامقدمه و زیر نظر آیت‌الله سید محمد خامنه‌ای، تهران: بنیاد حکمت اسلامی صدرا، ۱۳۸۹، ص ۶.

۱۶. همو، المشاعر، به اهتمام هانری کرین، تهران: طهوری، ۱۳۶۳، ص ۲.

۱۷. همو، شرح الاصول الکافی، ج ۲، ص ۴۷۰.

۱۸. همو، الشواهد الربوبیه، باشراف آیت‌الله سید محمد خامنه‌ای، بتصحیح مصطفی محقق داماد، تهران: بنیاد حکمت اسلامی صدرا، ۱۳۸۲، ص ۲۱.

■ ملاصدرا یقین برهانی به خداوند و قیامت و احوال آن و مسائل مربوط به آن دو را ایمان حقیقی و حکمت راستین دانسته و از سوی دیگر ایمان به امور مزبور و علم به آنها و همچنین عمل بمقتضای آن علم و ایمان را حکمت میدانند.

چنانکه ارسطو گفته است کسی که از معرفت نفسش عاجز است، شایسته است که از معرفت حق نیز ناتوان باشد، زیرا معرفت نفس، ذاتاً و صفتاً و افعالاً مرقات و نردبان معرفت حق تعالی ذاتاً و صفتاً و افعالاً میباشد، چرا که حق تعالی انسان را بر مثال خویش آفرید. پس کسی که از علم خویش آگاه نباشد علم ریش را نیز نمیداند.<sup>۱۹</sup>

ملاصدرا، همچنین در کتاب اسرارالآیات با بهره‌گیری از آیات الهی هشت خصلت مهم برای خودشناسی یعنی شناخت نفس انسانی بیان میدارد: اول اینکه بواسطه شناخت نفس انسانی، اشیاء دیگر شناخته میگردد. دوم آنکه نفس انسانی مجموعه تمام موجودات است و هر که آن را بشناسد، تمام موجودات را شناخته است. سوم آنکه هر کس نفس خود را بشناسد، عالم را شناخته و هر که عالم را بشناسد در مقام مشاهده خداوند است. چهارم آنکه بوسیله

اشیای جهان هستی، یعنی آنچه با شناخت نفس بدست می‌آید، پاسخ تمام معماهای هستی را در شناخت نفس میداند. او این نکته را چنین تبیین میکند که معرفت حقیقت اشیا بامعرفت خدا امکانپذیر است و بدان تحقق مییابد. معرفت خداوند نیز با معرفت نفس حاصل میشود و از سوی دیگر، معرفت صحیح و کامل نفس و حقایق آن نیز نیازمند تزکیه و تهذیب است و بدون تطهیر نفس، نمیتوان به حقیقت نفس نایل شد.<sup>۱۹</sup> بنابراین، نیل به حقیقت اشیا، به تزکیه نفس نیازمند است.

ملاصدرا در پی رهیافت به اهمیت شناخت نفس و نقش اساسی آن در معرفت حقایق اشیا، نفس‌شناسی را «ام الحکمه» معرفی کرده و از آن به «حکمت نوری» تعبیر نموده است.<sup>۲۰</sup> وی در اسفار تأکید دارد که، برهان و قرآن همگی بر این امر اتفاق دارند که تعلیم حکمت الهی و معرفت نفس انسانی، فوز به بقای ابدی میباشد و کنار گذاشتن آن خسران سرمدی است.<sup>۲۱</sup>

اگرچه معرفت نفس در حوزه‌های متعددی مثل معاد، نبوت و... حایز اهمیت است اما، مهمترین جلوه و معرفت نفس را باید در وصول به معرفت رب جستجو کرد، چنانکه در زبان حکیم، عارف و وحی آسمانی، معرفت نفس در ارتباط با شناخت حق مورد توجه قرار میگیرد و به انحاء گوناگون بیان میشود که: هر که خویش را بشناسد، خدای خویش را خواهد شناخت.

بعنوان مثال صدرالمتألهین، پس از آنکه در المبداء و المعاد اهمیت معرفت نفس را بیان میکند، بلافاصله از ارتباط آن با حق تعالی سخن میگوید:

کسی که جاهل به نفس خویش است چگونه می‌تواند در شناخت سایر اشیاء موفق باشد.

۱۹. همو، الاسفارالاربعه، ج ۹، ص ۱۸۴.

۲۰. همو، شرح الهدایه الاثیریة، چاپ سنگی، ۱۳۱۳ ق، ص

۷.

۲۱. همو، الاسفارالاربعه، ج ۶، ص ۹.

۲۲. همو، المبدأ والمعاد، ج ۲، ص ۷.

شناخت نفس خود، عالم روحانی و بقای آن عالم را خواهد شناخت. پنجم آنکه هر کس نفس خود را بشناسد، دشمنان خود را که در آن پنهانند، خواهد شناخت. ششم آنکه کسی که نفس خود را بشناسد، میداند که چگونه آن را رهبری کند. هفتم آنکه هر کس نفس را بشناسد، در هیچ کس بدی و نقصی نمی بیند مگر آنکه آن را در خود موجود میبندد و هشتم و مهمتر از همه آنکه هر کس که نفس خود را بشناسد، در واقع خدای خود را شناخته است.<sup>۲۳</sup>

ملاصدرا گرچه در اسرارالایات، خود را مقید بر استدلال عقلانی نمیکند و سخنانش جز تأویلی بر آیات قرآن بنظر نمیرسد اما، با توجه به مباحث وی در آثار فلسفی، میتوان دلایل عقلانی او را بدست داد، و علم معلول به علت را، علم حضوری و وجود معلول را عین ربط و تعلق، نسبت به علت میداند.<sup>۲۴</sup> بنابراین اگر کسی که ذاتش عین ربط به حق تعالی است، خود را مشاهده کند، یقیناً خدای خود را مشاهده خواهد کرد. علم حضوری مانند علم حصولی، بواسطه انتقال از علمی به علمی دیگر نیست، زیرا علم حضوری یک واقعیت خارجی و حقیقت شخصی و جزئی است و جزئی چنانکه در منطق بیان شده، نه کاسب است و نه مکتسب. بنابراین هر گز با شناخت یک واقعیت شخصی نمیتوان به واقعیت شخصی دیگر، پی برد. پس معنای اینکه اگر کسی خود را بشناسد، خدای خود را خواهد شناخت، اینست که شناخت نفس که یک شهود خارجی است، بدون وجود خداوند ممکن نیست زیرا، شناخت نفس عین وجود نفس است<sup>۲۵</sup> و وجود نفس عین ربط به خداوند، لذا شهود نفس عین ربط به شهود پروردگار است و غفلت از نفس با شهود نفس یکی نیست.

علاوه بر این، مهمترین دغدغه ملاصدرا در معرفت نفس، راه و روش این معرفت است که با استکمال دو بعدی (هم علمی و هم عملی) نفس حاصل میشود<sup>۲۶</sup> و البته کمال نفس نیز با تزکیه و تصفیه آن بدست می آید.<sup>۲۷</sup>

ملاصدرا درباره اهمیت اساسی تزکیه و تهذیب نفس در دستیابی به استکمال نفس، معتقد است مراتب استکمال عقل عملی بر اساس استکمال مراتب نفس، بر چهار مرتبه از تهذیب و تزکیه - تهذیب ظاهر، تهذیب باطن، تنویر قلب و فناء نفس - وابسته است، و تا زمانی که این چهار مرحله تحقق نیافته باشند، نفس به کمالی نخواهد رسید که با آن بتواند به معرفت حق تعالی برسد و به حقایق اشیا آگاهی یابد<sup>۲۸</sup>، همچنانکه در میسر شدن تحصیل دو جانبه معرفة النفس و معرفة الله، که انسان بتواند با علم به خداوند و حقیقت نفس، در باب ارتباط خالق و مخلوق اندیشیده و به مسائل جزئی پردازد، جهد جهید و خوض شدید همراه با ذهنی پاک، قلبی منشرح و منور لازم است.

بدلیل چنین جایگاه هستی شناختی و معرفت شناختی بی، که تزکیه نفس از آن برخوردار است، ملاصدرا در موارد فراوانی از مطالب و مباحث خود، محصلان و محققان فلسفه را به این مهم بعنوان مقدمه اساسی برای تحصیل حکمت و فلسفه توصیه کرده

۲۳. همو، اسرارالایات، ص ۲۲۵ تا ۲۲۷.

۲۴. همو، الاسفارالاربعه، ج ۶ ص ۱۶.

۲۵. همان، ص ۱۶۶.

۲۶. همان، ص ۱۱.

۲۷. همو، تفسیر القرآن الکریم، ج ۶، ص ۱۷.

۲۸. همو، مفاتیح الغیب، باشراف آیت الله سیدمحمد

خامنه ای، بتصحیح نجفقلی حبیبی، تهران: بنیاد حکمت اسلامی، ۱۳۸۶، ج ۲، ص ۸۴۳.

است: مثلاً در مقدمه کتاب الاسفار الاربعه مینویسد:  
فابداء يا حبيبي! قبل قراءة هذا الكتاب بتزكية  
نفسك عن هواها (قد أفلح من زكّاهَا وَقَدْ خَابَ  
مَنْ دَسَّاهَا) (شمس/ ۹ و ۱۰) و استحکم او لا  
اساس المعرفة والحكمة، ثم ارق ذراها<sup>۲۹</sup>.

اینجا نکته مهمی وجود دارد که نباید آن را نادیده  
گرفت: تحصیل حکمت بدون عنایت و موهبت الهی  
ممکن نیست. حتی اگر محصل در همه زمینه‌های  
فلسفه معلوماتی گردآوری کرده باشد، اما چنانچه  
دارای حدس کشفی نبوده و قلبش به نور ایمان و  
هدایت الهی منور نگشته باشد، بهره‌چندانی از  
حکمت عایدش نمیشود.<sup>۳۰</sup>

بر اساس آنچه ذکر شد، بررسی دو مسئله ضروری  
به نظر میرسد: اول، غایات و نتایج حکمت، و بعد  
بررسی تفصیلی ارتباط حکمت با تزکیه نفس و کمال  
آن.

### غایات و نتایج حکمت

مطالب ملاصدرا درباره غایات حکمت و ارتباط آن با  
تزکیه و تکمیل نفس انسانی، حول دو محور است:  
یکی غایات حکمت بر اساس تقسیم آنها به  
دنیوی و اخروی و دیگری غایات حکمت بر اساس  
تقسیم آنها به اصلی و فرعی.

#### ۱. تقسیم غایات حکمت به دنیوی و اخروی

ملاصدرا درباره دو سویه بودن نتیجه و غایت تحصیل  
حکمت یعنی دنیوی و اخروی بودن آن میگوید هر  
کس که خانه قلبش را به انوار معرفت و حکمت نورانی  
کند، روحش به جهان برین و دارالسلام ارتقاء مییابد و  
هر کس که قلبش را از این انوار بپوشاند به مهبط اشرار  
و شیاطین و اصحاب نار هبوط میکند.<sup>۳۱</sup>

در این بیان هم به جنبه دنیوی اشاره شده است و  
هم به جنبه اخروی. بر اساس همین نگرش، ملاصدرا  
محقق حکمت را به کسب نور معرفت و نیل به غایت  
مطلوب آن یعنی عالم افاضه و الهام که همان جهان  
برین است تشویق و توصیه کرده است.<sup>۳۲</sup>

علاوه بر این، او در تبیین غایت معرفت نفس، که  
هم جنبه دنیوی دارد و هم از جنبه اخروی برخوردار  
است، بر این تأکید دارد که اگر انسانی به جنبه معرفتی  
دست یافت، لقاء پروردگار را آرزو میکند و بسوی  
خیرات شتافته و از شرور دوری میجوید.<sup>۳۳</sup>

پیدا است که صلاحیت نیل به این غایت، فقط ویژه  
بندگان صالح خداوند است. چنانکه پیش از این گفته  
شد، ملاصدرا صلاح بندگی را در گرو تزکیه و تصفیه  
دل میداند، بدین توضیح که این غایت با تزکیه نفس  
و برای نفوس زکی حاصل می‌آید.

او میگوید: آنچه در این دنیا از حکمت حاصل  
میشود، معرفت تام است و در آخرت نیز مشاهده تام  
حقایق و از جمله اموری که در قیامت، از جهت  
تحصیل حکمت و معرفت تام، تمثّل یافته و بر می‌آید،  
نیل به بقای ابدی است که ترک و ردّ آن نیز منشأ زیان  
همیشگی و پیوسته است.<sup>۳۴</sup>

از سوی دیگر، حکمت عرصه‌یی برای محک زدن  
مقام و درجه انسانها در دنیا و آخرت است که این  
نکته، نتایج عمیق و اساسی در پی دارد. اگر برای  
کسی این معرفت حاصل گردد، خیراتم و اکمل برایش  
حاصل شده و اگر آن را در نوشته‌یی ثبت کند برایش

۲۹. ملاصدرا، الاسفار الاربعه، ج ۱، ص ۱۸.

۳۰. همان، ج ۶، ص ۸ و ۷.

۳۱. همو، المشاعر، ص ۴.

۳۲. همو، الاسفار الاربعه، ج ۸، ص ۴۵۳.

۳۳. همو، مفاتیح الغیب، ج ۲، ص ۱۰۰۳.

۳۴. همو، الاسفار الاربعه، ج ۶، ص ۱۰.

■ معرفت حقیقت اشیا بامعرفت خدا امکانپذیر است و بدان تحقق مییابد. معرفت خداوند نیز با معرفت نفس حاصل میشود و از سوی دیگر، معرفت صحیح و کامل نفس و حقایق آن نیز نیازمند تزکیه و تهذیب است و بدون تطهیر نفس، نمیتوان به حقیقت نفس نایل شد.

لذت معنوی ناشی از درک شهود حقایق اشیا یکی از این غایات است. ملاصدرا در این باره مینویسد: عارف به حقایق، بحدی از شهوت معرفت و لذت نظر به وجه الله نایل میشود که نگرش او درباره شهوت و لذت بکلی متمایز از سایر افراد میگردد.<sup>۳۸</sup> او در مقام عبادت خدا، به مشاهده حقایق اسماء الهی و زیباییهای حقایق هستی دست مییابد.<sup>۳۹</sup> چشیدن چنین لذتی نتیجه عینی درک حقایق است که در سایه سار آن، انسان حکیم زیباییهای مادی و حسّی را نیز پرتوی از انوار جمال الهی میبیند، و لذت او از مشاهده امور زیبا (هم در جمادات، هم در حیوانات و هم در انسانها) لذت معنوی است که به درک لذت حقیقی اسما و صفات حق تعالی مرتبط است، نه شهوات حیوانی و دنیوی.<sup>۴۰</sup>

بر این اساس، ملاصدرا تحلیلی عارفانه و هستی شناسانه از لذت مشاهده چهره‌های زیبا ارائه کرده،

۳۵. همان، ص ۵.

۳۶. همان، ج ۹، ص ۴۲۴.

۳۷. همان، ج ۳، ص ۱۶۵.

۳۸. همو، ج ۷، ص ۲۵۴.

۳۹. قیصری، داوود، شرح فصوص الحکمه، بتصحیح

آشتیانی، تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۷۵، ص ۸۹.

۴۰. ملاصدرا، الاسفارالاربعه، ج ۲، ص ۷۶.

پاداش فراوان و نام نیک میماند تاجایی که خداوند او را از وارثان بهشت قرار داده و نزدآیندگان نیک نامش گرداند.<sup>۳۵</sup>

ملاصدرا برای بیان جایگاه اهل حکمت در روز قیامت، بعد از آنکه بر اساس آیات قرآن، اصناف انسانها را در آن روز به مقربون، اصحاب یمین و اصحاب شمال تقسیم میکند، اهل معرفت و حکمت را در شمار مقربان کامل قرار میدهد که بخاطر بلندی مقامشان از شواغل کتاب، بدون حساب وارد بهشت میشوند.<sup>۳۶</sup>

روشن است که محور همه سعادت‌ها و غایات اخروی فراوانی که بر حکمت مترتب شده صفای دل و تزکیه نفس است و بدون آن، معرفت و حکمتی برای انسان حاصل نمیشود تاچنین نتایج مسرّت بخشی داشته باشد.

بعقیده ملاصدرا اگر انسان مسائل توحید حق تعالی، نفس و معاد را بطور حکمی بداند، دیگر ندانستن سایر علوم هیچ نقص و اشکالی برایش پدید نمی‌آورد و این علم برای وصول به حقایق جهان هستی و نیل به جهان کشف و شهودکافی است.<sup>۳۷</sup> در واقع، این مطلب ناظر به غایات و نتایج اخروی حکمت است، نه بخش دنیوی آن، زیرا جنبه‌های دنیوی حکمت و غایات آن از جنبه عملی، مورد تصریح و تأکید ملاصدرا قرار دارند.

### غایات دنیوی حکمت

منظور از «غایات دنیوی»، لزوماً غایات مادی و غیر الهی نیست، بلکه غایاتی مورد نظرند که در این دنیا به فعلیت رسیده و نتایج عینی و عملی آنها، چه از لحاظ مادی و چه از لحاظ معنوی، در مسائل گوناگون زندگی انسان نمایان و جاری میشود.

## ■ ملاصدرا

### در پی رهیافت به اهمیت

### شناخت نفس و نقش اساسی آن در

### معرفت حقایق اشیا، نفس‌شناسی را

### «ام الحکمه» معرفی کرده و از آن

### به «حکمت نوری» تعبیر

نموده است.

و مادی مشاهده نمی‌کند، بلکه همه هستی را سراسر تجلی زیبایی خدا میبندد و لذت معرفت، غالبترین لذتها در تار و پود وجودش می‌گردد<sup>۴۲</sup>. رویکرد ملاصدرا در این بحث، دو سویه است: یعنی یک سوی ماجرا اینست که نیل به حقایق الهی از طریق عشق مجازی است، و سوی دیگر اینکه نیل به حقیقت عشق مجازی با علم به حقایق حکمی حاصل میشود. در این دو سویه بودن مسئله، اجمال و تفصیل وجود دارد، یعنی سالک و محقق به اجمال میدانند که عشق، الهی است و عشق مجازی دارای استقلال نیست و با این نگرش و با حفظ اصول شرعی و اخلاقی – که با علم اجمالی کسب کرده – عشق میورزد، و این عشق او رابه تفصیل حقایق الهی و حکمی میرساند. بنابراین، در دو سویه بودن تحلیل ملاصدرا، تناقض و ناسازگاری وجود ندارد.

حکیم سبزواری در توضیح اینکه محبوب مجازی از جهتی حقیقی بشمار میرود، میگوید: مصداق بارز این محبوب، انسان کامل است<sup>۴۳</sup>. اما این تحلیل درست نیست؛ زیرا انسان کامل، خود مظهر تمام عیار حضرت الهی است و بحث ملاصدرا به جایی مربوط میشود که به انسانها و امور عادی چنین نگریسته شود، نه آنچه خود بخود دارای چنین مقامی است. نکته حائز اهمیت، که نباید آن را از نظر دور داشت، نظر ملاصدرا در باب عشق مجازی است که سخنها فراوانی بطور ناروا و از روی جهالت به وی نسبت داده شده است. برخلاف پندار مهاجمان به حکمت متعالیه و مخالفان ملاصدرا، وی عشق مجازی را آنگونه که در میان افراد عامی مطرح است – یعنی

مینویسد: اگر تو اهل بر گرفتن اسرار الهی و معارف حقانی باشی، شاید یقین یافته باشی که هر نیرو و کمال، و هر پیکره و زیبایی که در این جهان فرودست یافت میشود در حقیقت، سایه‌ها و نقاشیهایی از حقایق جهان برین هستند که پس از صاف و پاک و مقدس بودنشان از نقص و زشتی، از آن جهان برین، فرود آمده، کدورت یافته و حالت جرمانی به خود گرفته‌اند، بلکه همه حقایق کائنات و مبدعات، آثار و نورهایی از وجود حقیقی و نور برپادارنده موجودات هستند و اوست که سرچشمه زیبایی مطلق و شوکت تام است. پس نفس آدمی هنگام مفتون گشتن بر محبوب مجازی، که از جهتی حقیقی بشمار میرود، به محبوب مطلق متوجه میشود، محبوبی که مقصود نهایی همه چیز است. از این طریق، رسیدن به حضرت الهی برای نفس حاصل شده، باطنش به نور آن حضرت نورانیت مییابد. بنابراین، امور کلی و صور عقلی مفارق از ماده را درک میکند، چرا که در این هنگام، خود عقل می‌گردد که درک کننده کلیات است.<sup>۴۱</sup>

این تجلیل بدین دلیل صحیح است که در تقسیم انواع عشق، مرتبه‌یی از عشق وجود دارد که عاشق در آن مرتبه، اساساً هیچ جنبه شیطانی، نفسانی، حیوانی

۴۱. همان، ج ۲، ص ۷۲.

۴۲. همان، ج ۷، ص ۲۴۹.

۴۳. همان، ج ۲، ص ۷۲.



آمیخته با شهوات حیوانی و امیال نفسانی و شیطانی – مطرح نکرده و اساساً آن را تایید نمی‌کند<sup>۴۴</sup>، بلکه عشق مجازی را در سایه سار توحید افعالی تجلی اسماء و صفات حق تعالی تعبیر و تفسیر میکند؛ چنانکه در تعبیر حضرت اله آن را بیان کرد.

از دیگر غایات حاصل در این دنیا برای کسی که به حقایق همه موجودات، عالم است نیل به مقام خلافت الهی است. همانگونه که یاد آور شدیم، یکی از مهمترین تعاریف «حکمت» که مورد توجه ملاصدرا است، تعریف به «معرفة النفس و استكمال النفس» است. وی در این تعریف، استكمال نفس را با حکمت دانسته و رابطه‌ی دوسویه میان نفس و حکمت قایل است. او همین طریق را در تحقق مقام خلافت الهی نیز مطرح میکند. از نظر وی، نفس مادامی که به بدن تعلق دارد به نشئه کامل عقلی نمی‌رسد. اما هنگامی که بواسطه علم و عمل به کمال رسید، اکوان و موجودات عقلی و روحانی و حسی همگی او را فرمانبرداری میکنند<sup>۴۵</sup>.

سپس ملاصدرا مطلبی عمیق و مهم درباره کیفیت خلیفه الله گشتن بواسطه حکمت، از ابن عربی نقل کرده است تا بر این واقعیت تأکید کند که خداوند امتیاز قدرت تصرف در تمام هستی را تنهایی انسان کامل خواهد داد<sup>۴۶</sup>. البته هر یک از قوای سه گانه انسان (تعقل، تخیل و حس) کمال ویژه خود را دارد که در هر انسانی بخشی از این کمالات حاصل میشود و کمتر کسی به همه کمالات دست مییابد. اما همه انسانها یک حد مشترک از این کمالات را دارند که آن نیز از حکمت و معرفت حاصل میشود و با همان کمال، قدرت تصرف و خلاقیت در امور عادی را پیدا میکنند، اما کمالات خارج از حیطه عادی این قوا مقامی والاتر از خلافت طبیعی و فطری را برای

انسانهای حکیم به ارمغان می‌آورند و انسانهایی که جامع همه کمالات مزبور میشوند شایسته مقام خلافت الهی بطور تمام و کمال میگردند که کسب آن مرتبه – یعنی جامعیت کمالات – با ذوب شدن در حکمت و آمیخته کردن همه ابعاد نفس به سبب تزکیه و تهذیب با آن حاصل میشود<sup>۴۷</sup>.

ملاصدرا در اینجا تحلیل ظریف و زیبایی از حقیقت حکمت و معرفت ارائه داده که حائز اهمیت فراوان است. در تحلیل وی، قابلیت برخی از حیوانات در مشابَهت به صفات و افعال انسانی، که زیاد اتفاق میافتد، قابل توجه است. آنها بر اساس این قابلیت، کارهایی انجام میدهند که علاوه بر ایجاد شگفتی در نظر انسانها، تحسین و تکریم آنها را برانگیخته، شرافت و کرامتی ویژه در میان آنها میباند، یعنی انسانها با وجود قابلیت‌های خارق العاده خود، صفات مشابه – آن هم با درصد شباهت بسیار اندک – در حیوانات را ستایش و تحسین کرده، ارزش معرفتی و حتی اجتماعی به آن حیوانات و کارهایشان میبخشند<sup>۴۸</sup>. در واقع، همه این شرافت و کمال حیوانات به برکت علم و معرفتی است که در همان حد نفس حیوانی خود، آن را برگرفته و در نفس خود منطبق کرده‌اند.

ملاصدرا از این نتیجه میگیرد که نفسی که از ابتدای خلقت و بر اساس فطرتش پاک آفریده شده، اگر با بارهای سنگین گناهان آلوده شده باشد، چگونه پاک و مقدس نگردد، در حالیکه حیوان به برکت علم و معرفت، پاک و پاک کننده میگردد. پس انسان نیز به

۴۴. همان، ج ۷، ص ۲۲۵.

۴۵. همان، ج ۸، ص ۱۶۳.

۴۶. همانجا.

۴۷. ملاصدرا، تفسیر القرآن الکریم، ج ۵، ص ۲۲۰.

۴۸. همو، الاسفار الاربعة، ج ۵، ص ۵۸۸.

## ■ اگرچه معرفت نفس

در حوزه‌های متعددی مثل معاد،

نبوت و... حایز اهمیت است اما،

مهمترین جلوه و معرفت نفس را باید در

وصول به معرفت رب جستجو کرد، چنانکه

در زبان حکیم، عارف و وحی آسمانی،

معرفت نفس در ارتباط با شناخت

حق مورد توجه قرار میگیرد.

..... ◊ .....

برکت علم به خداوند و روز واپسین، پاک و مقدس میگردد و از این طریق، در زمره قدیسان و گروه ملائکه مقرب به درگاه الهی بشمار میرود.<sup>۴۹</sup> این مقام و جایگاه با تزکیه نفس بدست آمده، حکمت را بارمغان می‌آورد، و حکمت نیز مقام «واحدیت» را متجلی میسازد. ملاصدرا در واقع، نور ایمان به خدا را یکی از مهمترین عوامل این دستاورد میدانند و میگویند: علم به خدا و روز واپسین، انسان را پاک و مقدس میگرداند. او در حقیقت به فاعلیت ایمان در خروج نفس از قوه به فعل و نیل به عقل فعال اشاره دارد که انسان را از گروه مقربان درگاه الهی میگرداند.<sup>۵۰</sup>

از دیگر غایات دنیوی - معنوی حکمت، مقام «کن» است. همان مقام امر الهی است که انسان با تحقق و عینیت بخشیدن به آن در وجود خود، هر موجودی را به هر مشیّتی که اراده کند، ایجاد یا دگرگون میکند و در حقیقت، همان مقام علم حضرت عیسی (ع) است که ابن عربی از آن به مقام «کن» یاد کرده است:

هر کس از محققان - یعنی بعینیت رسیدگان با مقامات والای عرفانی - حقیقت «کن» را بداند، هر آینه علم عیسوی را دانسته است که باهمّت والایش هر شیئی از کائنات را ایجاد میکند و هر کس بچنین

مقامی برسد، حتماً چنین علمی خواهد داشت<sup>۵۱</sup>، و البته این مقام بسی فراتر و والاتر از مقام خلافت الهیه است و هر کس را توان نیل به آن نیست.<sup>۵۲</sup>

ملاصدرا این مقام را با اشاره به مطالب ابن عربی، مقامی میدانند که باحکمت و عرفان بدست می‌آید، و آن را بزرگترین بهجت و با عظمتترین منزل عرفانی برای انسان معرفی کرده است.<sup>۵۳</sup>

در هستی‌شناسی نفس، ملاصدرا به قابلیت خلاقیت نفس اشاره دارد. او این قابلیت را ودیعه‌یی از جانب خداوند میدانند که در نهاد آدمیان است و میتواند هر چه را اراده کرده است ایجاد یا دگرگون کند. وی این ویژگی منحصر به فرد نفس انسانی را یکی از اصول هستی‌شناختی برای اثبات مسائل مربوط به معاد قرار داده که بتعبیر خود ملاصدرا، همان «الخلق بالهمّه» است و عده‌یی از انسانها بدان سبب، توانایی تأثیر بر امور را دارند<sup>۵۴</sup> و عرفا بتفصیل، درباره آن بحث و تحقیق کرده‌اند.<sup>۵۵</sup> حکیم سبزواری نیز بار یافتن بهمین درجه از خلاقیت عینی و عملی نفس را برابر با مقام «کن» میدانند که در انسانهای حکیم و مهذب یافت میشود.<sup>۵۶</sup>

تشبه بالله یکی دیگر از غایات دنیوی حکمت است. ملاصدرا میگوید: حکمت و علم الهی، انسان

۴۹. ملاصدرا، شرح الاصول الکافی، ج ۲، ص ۸۸.

۵۰. همو، اسرار الایات، ص ۵۱.

۵۱. ابن عربی، الفتوحات المکیة، تحقیق ابراهیم مدکور، قاهره: الهيئة المصرية العامة للكتاب، ۱۳۹۲، ج ۳، ص ۹۵.

۵۲. حسن زاده آملی، حسن، ممدالهمم در شرح فصوص الحکم، قم: رجا، ۱۳۶۵، ص ۵۹۴.

۵۳. ملاصدرا، الاسفار الاربعه، ج ۶، ص ۱۰.

۵۴. همو، الشواهد الربوبیة، ص ۳۱۴.

۵۵. قیصری، شرح فصوص الحکمة، ص ۶۳۱ و ۷۴۰.

۵۶. سبزواری، ملاهادی، التعليقات علی الشواهد الربوبیة،

بتصحیح آشتیانی، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۸۲، ص ۴۷۶.

## ■ علم حضوری

مانند علم حصولی، بواسطه

انتقال از علمی به علمی دیگر نیست،

زیرا علم حضوری یک واقعیت خارجی و

حقیقت شخصی و جزئی است و جزئی

چنانکه در منطق بیان شده، نه

کاسب است و نه

مکتسب.

.....  
طباطبائی بیان کرده «تمییز الموجودات الحقیقیة من غیرها و معرفة العلل العالیة للوجود و بالاختصاص العله الاولى التي اليها تنتهي سلسلة الموجودات و اسمائه الحسنی و صفاته العلیا و هوالله - عز اسمه»<sup>۶۱</sup> یا سایر موارد باشد.

دوم اینکه درست است، اما از جهت تحقق و مصداق عینی حکمت که جنبه هستی شناختی دارد، نه جنبه علم شناختی یا روش شناختی زیرا فلسفه چون علم غیرآلی است، از جهت علم بودنش دارای غایت نیست، اما از جنبه هستی شناختی میتواند غایتی داشته باشد که براساس آن، عینیت مییابد. در واقع، غایت در اینجا بمعنای فایده معرفتی و عملی است، نه قصد نهایی فعل<sup>۶۲</sup>.

البته نکته‌یی که بنظر میرسد به تحلیل این مسئله کمک میکند اینستکه از یکسو، چون بنا به تصریح

۵۷. ملاصدرا، الاسفار الاربعة، ج ۶، ص ۱۰.

۵۸. ابن سینا، الشفاء - الالهیات، بتصحیح قنواتی، قم:

مکتبة آیت الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴، ص ۱۶.

۵۹. ملاصدرا، الحاشیة علی الالهیات، ص ۱۵.

۶۰. طباطبائی، سید محمدحسین، نهاية الحکمة، بتصحیح

زارعی سبزواری، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۷، ص ۱۰.

۶۱. همو، بداية الحکمة، قم: مکتبة الاعلام الاسلامی، ۱۴۱۰،

ص ۱۰.

۶۲. همو، نهاية الحکمة، ص ۱۰.

را دارنده ملک بزرگی میگرداند که بزرگترین اکسیر بشمار میرود و موجب بی نیازی کلی و سعادت بزرگ میگردد، و بقا بر برترین حالات بر انسان را، که تشبّه به خیر نهایی و تخلّق به اخلاق الهی است، فراهم می آورد.<sup>۵۷</sup> با این رویکرد، روشن است که تعریف «حکمت» به «تشبّه بالاله» درست نیست، زیرا تعریف علم به غایت، تعریفی نارسا و ناقص است.

معرفت حقایق اشیاء که تعریف «حکمت» بر اساس آن استوار است، از مهمترین و چشمگیرترین غایات دنیوی حکمت است. ملاصدرا در حاشیه بر الهیات شفا، در شرح گفتار ابن سینا که گفته است: «فقد ظهر و لاح ان الغرض فی هذا العلم ای شیء هو»<sup>۵۸</sup>، غرض حکمت را علم یقینی به حقایق موجودات چنانکه هستند میدانند و این درخواست پیامبر که «ربّ ارنی الاشیاء كما هی» را هم ناظر بر همین مطلب دانسته و تصریح میکند که مراد از رؤیت در این آیه همان یقین است.<sup>۵۹</sup>

گفته شد که تعریف اصلی و بنیادی حکمت در نظر ملاصدرا، نخستین تعریف است. در حقیقت، این تعریفی بر پایه موضوع مسائل است، نه غایت؛ زیرا «حقیقت وجود» موضوع همه قضایای آن است، گرچه بظاهر، محمول قضیه باشد، و این همان عکس الحمل است که علامه طباطبائی آن را مورد توجه و تأکید قرار داده است.<sup>۶۰</sup> پس اینکه علم به حقایق موجودات غایت علم قرار گیرد از دو حال خارج نیست:

یکی اینکه نادرست است؛ یعنی موضوع علم نمیتواند غایت علم قرار گیرد و چون علم به حقایق، موضوع حکمت است، باید غایت دیگری داشته باشد که میتواند «تمییز الامور فی المعارف و الاعمال»، «معرفة مراتب الموجودات» یا آنگونه که علامه

### ■ بعقیده ملاصدرا

اگر انسان مسائل توحید حق تعالی،  
نفس و معاد را بطور حکمی بداند، دیگر  
ندانستن سایر علوم هیچ نقص و اشکالی  
برایش پدید نمی‌آورد و این علم برای  
وصول به حقایق جهان هستی و  
نیل به جهان کشف و شهود  
کافی است.

فضیلتترین و با شرافتترین جزء حکمت است که در  
واقع، مقصود عملی و عینی حکمت بوده و شبیه  
غایت روش شناختی برای حکمت است.<sup>۶۵</sup>

ملاصدرا این نکته را، که فلسفه بلحاظ علم‌شناسی  
دارای غایت نیست و از جنبه‌های دیگری مثل  
«مقایسه مسائل آن با یکدیگر»، «بررسی مصادیق  
عینی آن» و یا با توجه به تعریف آن براساس مهمترین  
و اشرف اجزایش مثل معرفه‌الله، معرفه‌النفس، و کمال  
نفس، غیایاتی مصداقی و هستی شناختی پدید می‌آید،  
مورد توجه و تأکید قرار میدهد.<sup>۶۶</sup>

بهر حال، در نظر ملاصدرا، غرض نهایی این علم  
در همین دنیا، توفیق یافتن نفس انسانی بر مطالعه  
حضرت الهی است، که درگاه اسماء و صفات اوست  
(مقام واحدیت).<sup>۶۷</sup>

نکته شایان توجه در اینجا اینست که معرفه‌الله جز  
با معرفه‌النفس حاصل نمیشود. بنابراین، غایت نهایی  
حکمت «معرفت نفس» است، و معرفت نفس لازمه  
مهمی به‌مراه دارد که در عمل، همان ملازم غایت

۶۳. ملاصدرا، الاسفار الاربعه، ج ۷، ص ۴۱۳.

۶۴. همان، ج ۹، ص ۳۸۸.

۶۵. ابن سینا، الشفاء - الالهیات، ص ۲۳.

۶۶. ملاصدرا، الاسفار الاربعه، ج ۶، ص ۴۱۳.

۶۷. همو، الحاشیه علی الالهیات، ص ۱۷.

ملاصدرا، کمال نفس با علم به حقایق اشیا - یعنی  
حکمت - حاصل میشود، و از سوی دیگر، چون  
کمال نفس غایت عملی حکمت است و مراتب  
پیوسته کمال بطور دائم تعالی مییابند، بنابراین، میتوان  
گفت: علم به حقایق اشیا غایت عملی بالعرض برای  
حکمت است نه غایت مطلق و بالذات.

«معرفة الحق الاول تعالی» نیز از سوی حکما  
بعنوان غایتی برای حکمت معرفی و تبیین شده است.  
ملاصدرا در بحثهای گوناگون، همخوانی حکمت و  
شریعت را، بویژه در غایت دنیوی - معرفتی، مطرح  
کرده است. او میگوید: غایت حکمت از لحاظ  
معرفتشناسی و هستی‌شناسی، شناخت خداوند  
است و همین غایت، شالوده اصول دین است. از  
اینرو، دین و فلسفه در غایتشان مشترکند. دین و  
فلسفه در رهیافت ملاصدرا، گوهری همسان دارند و  
هر کدام در حدّ توان بشری قابل دسترسی هستند و  
تنها در روش رسیدن به آن گوهر، فرق دارند طریق  
یکی وحی است و دیگری سلوک و کسب<sup>۶۸</sup> و البته  
روشن است که این سخن بمعنای تلازم مطلق آن دو  
نیست که هر کدام حاصل شود، دیگری نیز حاصل  
شود، بلکه بدین معناست که تحصیل مجزای هر  
کدام، بطور توأم به یک نقطه رهنمون خواهد شد.  
ملاصدرا همه مسائل فلسفه را به معرفه‌الله منتهی  
میداند و در واقع، سایر مسائل، مقدمه‌یی برای نیل به  
این غایت بشمار میروند.<sup>۶۹</sup>

ابن‌سینا غایت بودن معرفه‌الله برای حکمت را،  
اینگونه تحلیل و تعبیر میکند که معرفه‌الله از این نظر  
غایت حکمت قرار میگیرد که بسیاری از اوقات، یک  
علم بلحاظ جزء، اشرف و معنای اشرف خود به اسم  
همان جزء نامیده میشود، حکمت از این نظر، «علم  
الهی» نامیده شده است زیرا شناخت خداوند با

حکمت بشمار می‌رود و آن هم استکمال و تکمیل نفس است. از اینرو، تکمیل نفس هم غایتی مهم برای حکمت بشمار می‌رود.<sup>۶۸</sup>

با نظر به دوشاخه بودن حکمت - یعنی تقسیم آن به نظری و عملی - دنبال کردن این غایت در هر دو شاخه، بسیار مهم و اساسی مینماید. ملاصدرا این مبنا - یعنی اینکه تکمیل نفوس، غایت حکمت است - را در تقسیم‌بندی حکمت اینگونه دنبال کرده که غایت حکمت نظری اینستکه نفس عالمی شود عقلی، مشابه عالم عینی ومیوه و نتیجه حکمت عملی هم انجام عمل نیک و تفوق و برتری نفس بر بدن است.<sup>۶۹</sup>

در واقع، ملاصدرا همه دغدغه خود در باب بررسی رئوس ثمانیه فلسفه و حکمت را بر معرفت و استکمال نفس متمرکز کرده و در صدد ارائه سامانه‌یی بوده است که بر اساس آن بتواند همه قابلیت‌های نفس انسانی را تا حد توان بشری به فعلیت و ظهور برساند. او در این مسیر، هیچ کوتاهی و کم کاری نکرده و حکمت متعالیه در حقیقت نظامی جامع بر این منظور است. رویکرد همه غایات مزبور در واقع، از جنبه نفس شناختی است که اهمیت دارد و این جنبه، ارتباط نزدیک تزکیه نفس با حکمت را بازگو میکند.

## ۲. غایات حکمت بر اساس تقسیم آن به اصلی و فرعی

غایت اصلی حکمت - همانگونه که یادآور شدیم - تکمیل نفوس بشری است که با تزکیه نفس ملازم است - و البته گفتیم که غایت اصلی وبالذات، معرفت اشیاست و غایت بالعرض، تکمیل نفوس. و غایات فرعی حکمت، اعم از مسائل حکمت و سایر علوم است؛ مثلاً، شناخت حقایق قرآن یکی از مهمترین

غایات فرعی است. همچنین فهم کلمات ائمه اطهار (ع) یکی از این غایات بشمار می‌رود.<sup>۷۰</sup> شرح صدر و کسب نور معنویت نیز یکی دیگر از این غایات است.<sup>۷۱</sup> ملاصدرا به غایت فرعی هر یک از اقسام حکمت نیز اشاره دارد. او شرح صدر، و تکمیل علمی نفوس را غایت حکمت نظری و کسب نور معنویت و ایمان، و تکمیل عملی و اخلاقی نفس را غایت برای حکمت عملی میداند.<sup>۷۲</sup>

همچنین بتناسب بحث‌های فلسفی برای برخی از مسائل جزئی فلسفه نیز غایت یا غایت‌هایی در نظر گرفته است؛ مثلاً غایت ذکاوت انسانی نیل به نیروی قدسی<sup>۷۳</sup> و غایت حصول مزاج کامل در انسان، رسیدن به حد فیضان کمال نفس یعنی حصول عقل بالملکه<sup>۷۴</sup> و نیز غایت استکمال نفس نیل به عقل فعال است.<sup>۷۵</sup>

## بررسی تفصیلی ارتباط حکمت با کمال و تهذیب نفس

با توجه به نکات و توضیحات مزبور در باب غایات حکمت و دغدغه اصلی ملاصدرا در باب تعریف و غایت حکمت، ارتباط اساسی و تنگاتنگی میان حکمت و کمال و تهذیب نفس وجود دارد و این ارتباط ناگسستنی از مطالب پیشین روشن میشود، اما برای روشنتر شدن مسئله به نکاتی دیگر در اینباره اشاره میکنیم:

۶۸. همان، ص ۱۶.

۶۹. همو، الاسفار الاربعه، ج ۱، ص ۲۳.

۷۰. همان، ج ۵، ص ۴۰۸.

۷۱. همان، ج ۹، ص ۱۸۸.

۷۲. همانجا.

۷۳. همان، ج ۳، ص ۵۵۸.

۷۴. همان، ج ۶، ص ۳۸۸.

۷۵. همان، ج ۹، ص ۱۸۸.

### ■ رویکرد ملاصدرا

دو سویه است: یعنی یک سوی  
ماجرا اینست که نیل به حقایق الهی از  
طریق عشق مجازی است، و سوی  
دیگر اینکه نیل به حقیقت عشق  
مجازی با علم به حقایق  
حکمی حاصل  
میشود.

ملاصدرا علم و معرفت را بطور مطلق برای نفس انسان کمال میداند؛ زیرا از یکسو، نفس را از حالت قوه بودن به فعلیت درمی آورد و از اینرو خود حکمت، کمالی است که هر چه بیشتر در وجود نفس وارد و منطبق شود، با فضیلتتر است.<sup>۷۶</sup> از سوی دیگر، کمال نفس دو رکن اساسی دارد: یکی جنبه علمی و معرفتی، و دیگری جنبه عملی. کمال جنبه علمی نفس - همانگونه که اشاره شد - از تحصیل علم و حکمت حاصل میشود، و بخش نظری حکمت این نقش را ایفا میکند؛ زیرا نفس از جنبه نظری و علمی، هنگامی به سر حد کمال مطلوب خود میرسد که به عقل فعال اتصال یافته، با آن متحد گردد.<sup>۷۷</sup>

ملاصدرا کمال عقلانی نفس را مهمترین رکن کمال نفس میداند که حتی رکن عملی نیز بر پایه آن استوار است؛ زیرا همه صورت و حقیقت نفس با اتصال به عقل فعال عینیت مییابد و سعادت حقیقی نیز از جهت عقل نظری برای نفس حاصل میشود. کمال عملی نفس نیز از رهگذر حصول عدالت اخلاقی و پاک شدن از رذایل نفسانی و شیطانی فراهم می آید.<sup>۷۸</sup>

البته نکته مهم اینست که حصول کمال علمی از طریق تحصیل حکمت نظری، امری نسبتاً روشن و بی ابهام

مینماید؛ اما حصول کمال عملی از طریق تحصیل حکمت نظری و عملی، امری است که به کندوکاو بیشتری نیاز دارد. ملاصدرا در برخی از مباحث، تلازم این دو یا مؤثر بودن حکمت نسبت به کمال عملی نفس و در واقع، کمک رسانی حکمت به انسان در تزکیه نفس را یادآور شده است. برای مثال، او در بحث «عشق مجازی» میگوید: اگر انسان به کمال نفس نایل نشده باشد، شاید در برخی از مراحل استکمال، عشق مجازی، راهبرد مناسبی برایش بوده باشد؛ اما اگر بسبب تحصیل علوم الهی، یادگرگونی و اتصال به عقل فعال، به استکمال نفس نایل آید و بر علوم کلی احاطه یابد بگونه‌یی که به جهان قدسی پیوند خورده باشد، دیگر زیبایی چهره انسانها و شمایل لطیف بشری او را بخود مشغول نخواهد ساخت. یعنی با حصول حقایق حکمی، نفس از رذایل و مشهودات حیوانی خلاصی مییابد که نقطه عطفی برای تزکیه نفس به شمار می آید.<sup>۷۹</sup>

به این ترتیب، ملاصدرا یکی از اصلیتترین عوامل تزکیه نفس را تحصیل و تحقق حکمت میداند. بدینسان، او چهار نکته مهم و راهگشا برای تزکیه نفس بوسیله حکمت بیان میدارد: ۱- انسان حکیم از آنرو که همه حقایق جهان را در سایه سار حکیم علی الاطلاق دیده، با حفظ مراتب سه گانه توحید (ذاتی، صفاتی، افعالی) حق تعالی را یگانه مؤثر در نشئت هستی میداند و این سبب میشود تا هم از جنبه نظری و هم از جنبه عملی، کمال اخلاص را در وجود خود محقق گرداند و در سلک ملکوتیان قرار گیرد.<sup>۸۰</sup> فقط با معرفت و حکمت، مقامات ایمان و تخلق به اخلاق الهی لشکریان عقل

۷۶. همان، ج ۴، ص ۲۰۵.

۷۷. همو، المبدأ والمعاد، ج ۲، ص ۵۸۷.

۷۸. همو، الاسفار الاربعة، ج ۹، ص ۱۶۹.

۷۹. همان، ج ۷، ص ۲۱۹.

۸۰. همو، المبدأ والمعاد، ج ۲، ص ۷۲۴.

خاص میشود. نیل به مقامات عرفانی در نظر ملاصدرا، مشروط به گذار از وادی حکمت و معرفت است. او میگوید: بدون معرفت، مشاهده‌ی هم صورت نخواهد گرفت و در حقیقت، معرفت بذر مشاهده است؛ در این صورت است که حکیم، به حقایق اشیا دست مییابد.<sup>۸۱</sup> از رهگذر حکمت، به احوال و اعمال و در مجموع به اخلاق پاک و دل صاف میتوان نایل شد. ۳ - کثرت افکار و تعمق در ادراک معقولات تنها راه استکمال نفس و خارج شدن نفس در تعقلاتش از قوه به فعل است.<sup>۸۲</sup> - برای درگذشتن از شهوات و نیل به نورانیت الهی، تحصیل حکمت ضرورتی اجتناب ناپذیر است. بعقیده ملاصدرا با تحصیل حکمت است که ماهیت افعال انسان از حیوانی و شیطانی به الهی و آسمانی دگرگون میشود؛ یعنی انسان حکیم، مرتکب معصیت نمیشود و مسائل مباح زندگی برایش جنبه‌های الهی مییابند.<sup>۸۳</sup> موارد فراوانی در اینباره وجود دارد که این چند مورد فقط نمونه‌ی از آنها بود. اما نتیجه همه این مطالب و مسائل بیانگر دغدغه اصلی ملاصدرا مبنی بر سوق دادن حکمت بسوی انسان‌سازی و تهذیب و تزکیه نفس و به کمال رسانیدن آن است. در واقع، رکن اصلی فلسفه ملاصدرا، که معرفت‌النفس است، معرفت همراه با تهذیب و استکمال است، نه صرفاً جنبه علمی و نظری، و این یعنی شناخت همراه با عمل یا شناخت برای عمل. این بدان معناست که تهذیب نفس در حقیقت، غایت عملی حکمت است و سرّ ارتباط تنگاتنگ حکمت و تهذیب نفس در همین است.

البته نکته‌ی در این بحث وجود دارد که نباید از نظر دور داشت: ارتباط دو سویه حکمت و تزکیه نفس (یعنی وابستگی دو سویه) شبیه «دور» رابه ذهن متبادر میکند. دور مزبور بدین شرح است: ملاصدرا از یکسو در بسیاری از موارد، بر تقدّم تزکیه نفس بر

فهم مسائل حکمت تصریح و تأکید دارد، و از سوی دیگر، خودش حکمت را عامل و سببی مهم در تزکیه نفس میداند. در این صورت، آیا دور برقرار نمیشود؟ پاسخ اینستکه اولاً حکمت از لحاظ نظری، مبنای عمل است و از این نظر، مبنای تزکیه نفس نیز واقع میشود. از سوی دیگر، تزکیه نفس برای فهم برخی از مسائل مهم و نکات دقیق مباحث حکمت، مقدمه است، نه برای همه ساختار حکمت. وانگهی، تزکیه نفس که غایت فرعی حکمت است، بعنوان علت غایی اعتباری، حکم علت فاعلی یا علت معده پیدا میکند و در واقع، تقدّم و تأخر آن دوازهم، اعتباری و رتبی است، نه عینی و خارجی. ثانیاً، تزکیه امری عدمی است<sup>۸۴</sup>، نه وجودی، و امر عدمی بخودی خود، نمیتواند علت باشد، بلکه بضمیمه امور دیگری که وجودی هستند، میتوانند در مقام مقایسه وجودی و رتبه بندی، مقدم یا مؤخر قرار گیرند. بنابراین دوری در میان نیست.

### تزکیه نفس؛ شرط مهم تحصیل و قبول حکمت

با توجه به اهمیت تزکیه نفس در تحصیل حکمت، هم از نظر اینکه حکمت، سبب تزکیه آسانتر است و هم از این نظر که تزکیه نفس فهم مسائل حکمی را آسانتر میگرداند، ملاصدرا شرایطی برای ورود به تحصیل حکمت قرار داده که بیشتر آنها بر تزکیه نفس استوارند. اگر شرایطی مثل «فتح باب الموازنة بین العالمین»<sup>۸۵</sup>، توجه و تدبّر در حقایق و معارف قرآن<sup>۸۶</sup> و

۸۱. همو، شرح الاصول الکافی، ج ۱، ص ۵۳۸.

۸۲. همو، الاسفار الاربعه، ج ۸، ص ۳۴۷.

۸۳. همو، رساله الحشر، بتصحیح خواجوی، تهران: مولی، بی تا، ص ۱۲۱.

۸۴. همو، الاسفار الاربعه، ج ۹، ص ۱۸۸.

۸۵. همان، ص ۴۱۹.

۸۶. همان، ج ۷، ص ۷۳.

■ اگر انسان به کمال نفس نایل نشده باشد، شاید در برخی از مراحل استکمال، عشق مجازی، راهبرد مناسبی برایش بوده باشد؛ اما اگر بسبب تحصیل علوم الهی، یا دگرگونی و اتصال به عقل فعال، به استکمال نفس نایل آید و بر علوم کلی احاطه یابد بگونه‌یی که به جهان قدسی پیوند خورده باشد، دیگر زیبایی چهره انسانها و شمایل لطیف بشری او را بخود مشغول نخواهد ساخت.

فهم درست این مسائل امکانپذیر نمیشود.

#### نتیجه

با توجه به مطالب و مباحثی که مطرح شد، روشن میشود که تزکیه نفس نقش اساسی در شکلگیری مفهوم و مصداق «حکمت» و تعریف آن دارد و ارتباط تنگاتنگی میان تزکیه نفس و غایت حکمت موجود است؛ بدین توضیح که تعریف «حکمت» با معرفت نفس و تزکیه آن گره خورده است. غایت عملی حکمت، استکمال نفس است. تزکیه نفس نیز غایت بالعرض برای حکمت بشمار میرود. ارتباط سبب و مسببی میان حکمت و تزکیه نفس، دو سویه است و تزکیه نفس نیز بنوبه خود، سبب تحقق مصداق و غایات حکمت است. فهم بسیاری از حقایق و مسائل حکمت بدون تزکیه نفس مقدور انسان نیست. با این رویکرد، دغدغه اصلی ملاصدرا در حکمت متعالیه، توجه به کمال و استکمال نفس، و ساماندهی حکمت متعالیه بر اساس سوق دادن محصلان و محققان حکمت به تزکیه نفس است. بر این اساس، دستورالعملهای گوناگون برای تحقق این هدف در ساختار حکمت متعالیه تعبیه شده که بررسی تفصیلی آنها خود امری مهم و راهگشا در مسیر رشد و تعالی حکما و حکمت بشمار می آید.

۸۷. همو، تفسیر القرآن الکریم، ج ۵، ص ۲۲۶.

۸۸. همو، المبدأ و المعاد، ص ۴۱۲.

۸۹. همو، الاسفار الاربعه، ج ۶، ص ۷.

۹۰. همو، مفاتیح الغیب، ج ۱، ص ۵۳۳.

۹۱. همو، الاسفار الاربعه، ج ۷، ص ۱۵۹.

تبعیت از نبی اکرم (ص)<sup>۸۷</sup> را مورد تأکید قرار نداده و تأکید اصلی خود را بر تزکیه نفس متمرکز کنیم، ملاصدرا در اینباره میگوید: تا زمانی که نفس انسانی به آن حد از رشد و مقام کمال نرسیده باشد که هر روز از جلدش جدا گردد. مانند ماری که پوست می اندازد. هیچ حقیقتی از حکمت را آنگونه که هست، درک نخواهد کرد.<sup>۸۸</sup> در واقع، ملاصدرا تصفیه باطن و تزکیه نفس از رذایل اخلاقی و همچنین عمل به تکالیف الهی را موجب خروج نفس از قوه به فعل میدانند که همان محتوای تعریف «حکمت» به «استکمال نفس» است.

علاوه بر اینکه تحصیل حکمت، به عنایت و موهبت الهی وابسته است، شرایطی نیز برای تحصیل آن عنایت وجود دارد که ملاصدرا بر تحقق آنها بعنوان مقدمه تأکید میکند. او معتقد است قبول حکمت و نور معرفت شرطها و مسببهای چون انشراح صدر و سلامت فطرت، خوی نیک و نیک نظری و ذهن وقاد همراه با ذوق کشفی دارد. هر کس که این امور در او نباشد، خویش را در طلب حکمت به رنج نیندازد و هر کس که دارای فهم و ادراک هست ولی قلبش را نور فرا نگرفته باشد، حکمت برایش حاصل نمیشود.<sup>۸۹</sup>

اما آنچه از اهمیت ویژه برخوردار است، تمرکز همه این شروط بر صفای دل و تزکیه «نفس» است. ملاصدرا در بسیاری از مباحث، فهم مسائل حکمی از جمله مسائل توحیدی و حقایق اسماء الهی، بحث معاد<sup>۹۰</sup>، مسائل مربوط به نظام خلقت<sup>۹۱</sup> را به تزکیه نفس مشروط کرده و تأکید میکند که بدون حصول این شرط